

آپار تاید: سابقہ شرم آور تبعیض نژادی

نوشتہ باسیل داویدسون

تاریخچہ تبعیض نژادی داستان یک سیاست برتری نژادی است کہ از سوی اقلیتہای کوچک سفید پوست آفریقای جنوبی، بہ منظور سلطہ بر اکثریت سیاہان و محروم داشتن این اکثریت از سرزمینہای خود و استثمار کامل نیروی کار آنان بہ نفع سفیدپوستان و شرکای خارجیشان، بہ کار می‌رود. آپار تاید، تئوری استعماری برتری نژاد، دستاورد استعمار است کہ با شدت ہر چہ تمامتر اعمال می‌گردد.

سیاست سفیدپوستان در سراسر سرزمینہای جنوب رودخانہ لیمپوپو (سرزمینہایی کہ آفریقای جنوبی را تشکیل می‌دهند) تا سال ۱۸۹۹ بہ طور عمدہ استفادہ از قوای نظامی بہ منظور سرکوب سیاہان و از میان برداشتن مقاومت آنان بودہ است و این سیاست در دو جناح رقیب با ہم اعمال می‌شد. انگلیسیہا بیدرنگ پس از غلبہ بر ناوگان فرانسویان در جنگ ترافالگار در سال ۱۸۰۵ و کسب امنیت و استقرار در دماغہ امیدنیک، بہ سلسلہ عملیات مبادرت کردند کہ صلاح اندیشانہ بہ «جنگہای مرزی» تعبیر می‌شد. در برابر مقاومت مستمر سیاہان کہ ہمیشہ ہم با شکست مواجہ نبود، نیروہای انگلیسی از مستعمرہ کوچک خود در دماغہ بہ سوی مشرق و شمال شرقی پیش رفتند، و با تجاوز بہ جوامع آفریقای، بومیان را یکی پس از دیگری از سرزمینہایشان بیرون راندند و این امر تا فتح نہایی قلمرو زولوہا در سال ۱۸۷۹ ادامہ یافت.

نوادگان مهاجران ہلندی کہ شمار آنان از طریق مهاجرت و بیشتر با پیوندہای ناخواستہ با زنان سیاہ افزودہ شدہ بود، تا حدودی خود را بہ صورت ملتی معین بہ نام خلق آفریکتر نمایانہ بودند و بہ زبانی مشتق از ہلندی بہ نام آفریکتر تکلم می‌کردند. با وجود این از لحاظ نفرت و تکنولوژی ضعیفتر از آن بودند کہ از عہدہ جوامع نیرومند آفریقای نظیر خوزا و زولو برآیند. وظیفہ محو این گونه جوامع از حالت یک تمامیت مستقل ملی بہ انگلیس واگذار شد. با این ہمہ مهاجران ہلندی آن قدر قدرت داشتند تا بر تعدادی از قبایل کوچک آفریقای مسلط شوند. ہلندیہا در غرب متصرفات انگلیس سکنا گزیدند و در جمہوریہای آفریکتر (یا بوئر بہ معنای لغوی کشاورز) بہ نامہای ایالت آزاد اورانژ و ترانسوال مستقر شدند.

در دہہ ۱۸۸۰ چہار واحد سیاسی سفیدپوستان شامل دو مستعمرہ انگلیسی کیپ و ناتال و دو جمہوری آفریکتر در شمال و مغرب بہ گونه‌ای مشخص بہ وجود آمدہ بود. در سال ۱۸۶۷ الماس با ذخایر فراوان در کیمبرلی کشف گردید و انگلستان در ۱۸۷۱ زمینہای دارای معادن الماس را بہ مناطق متصرفی قبلی ضمیمہ کرد و بزودی با احداث راہ آہن (۱۸۸۵) بین دماغہ و کیمبرلی تمامی منطقہ بہ صحنہ «ہجوم الماس» تبدیل گردید. با این حال این منبع ثروت تغییر چشمگیری در وضع کلی منطقہ بہ وجود نیاورد. آنچه باعث تغییر کلی ہمراہ با خشونت گردید کشف معادن عظیم طلا در

ویت واترزان در جمہوری ترانسوال بین ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۶ بود.

پس از کشف طلا منافع بریتانیا بہ دلایل سیاسی و اقتصادی چنین ایجاب کرد تا کنترل ترانسوال را کہ کشاورزان آن توانایی و علاقہای بہ سرمایہ گذاریہای بزرگ نداشتند، بہ دست گیرد. بعد از چند درگیری و کشمکش، جنگ عمومی بین انگلیس و آفریکتر در سال ۱۸۹۹ شروع شد و پس از دو سال جنگ و تحمل تلفات سنگین از جانب دو طرف، با پیروزی بریتانیا خاتمہ یافت. انگلیس بیدرنگ پس از پیروزی بہ مخالفان آفریکتر خود اطمینان داد کہ اساس سیستم تبعیض نژادی علیہ اکثریت سیاہ پوست را در اساسنامہ اتحادیہ آفریقای جنوبی (مرکب از کیپ، ناتال، ترانسوال و ایالت آزاد اورانژ) پیش بینی خواہد کرد و در ۱۹۱۰ بہ ہمین قرار عمل شد. از آن تاریخ تا سی و ہشت سال بعد اقلیت سفیدپوست انگلیسی زبان، حاکم بر پارلمان اتحادیہ نو استقلال سفیدپوستان بود و کاملاً از سیاست تبعیض نژادی مورد توافق پیروی می‌کرد.

پارلمان جدید ہیچ فرصتی را برای حفظ سیستماتیک سیاست برتری نژادی از دست نمی‌داد. در سال ۱۹۱۱ لایحہ مقررات کارگران بومی بہ تصویب رسید و تبعیضات نژادی در مورد کلیہ حقوق بگیران سیاہ بہ صورت قانونی درآمد. در سالہای بعد بہ این لایحہ موادی اضافہ شد و آن را تحکیم بخشید. در سال ۱۹۱۳، پارلمان گامی فراتر نہاد و لایحہ‌ای ارضی بہ تصویب رساند کہ بہ موجب آن نمود درصد ارضی برای تملک سفیدان تعیین شد و سیاہان فقط در دہ درصد ارضی باقیمانده حق مالکیت داشتند (این تقسیم بندی امروزہ بہ حدود سیزدہ درصد رسیدہ است). این نواحی کوچک، بہ نام مناطق قرق بومیان خوانندہ می‌شد کہ بزودی در راہ ہدف مورد نظر بہ منابع ذخیرہ نیروی کارگری برای «مناطق سفیدان» تبدیل گردید.

در ۱۹۲۳ لایحہ بومیان (نواحی شهری) بہ تصویب رسید کہ تا بہ امروز ہمراہ با لایحہ ارضی، اساس سیاست کلی سفیدپوستان در برابر سیاہان بودہ است. اگر چہ از این لایحہ عملاً بہ عنوان سلاخی برای جدا نگاہ داشتن مناطق سفید از سیاہ استفادہ می‌شود اما، برای توجیہ مطلب، آنها را لایحہ «توسعہ جداگانہ» می‌نامند.

در ۱۹۴۸ اقلیت انگلیسی زبان کنترل پارلمان را از دست داد و دیگر هیچگاہ موفق بہ کنترل مجدد آن نگردید. حزب ملی آفریکترہای خالص، پس از کنترل پارلمان، حکومت را بہ دست گرفت و بہ سیاست تبعیض نژادی «توسعہ جداگانہ» ادامہ داد. جنگ جهانی دوم بہ عداوت دیرینہ بین آفریکترہا و انگلیسیہا دامن زد، چہ تمام رہبران حزب ملی آفریکتر علناً از پیروزی نازیہا جانبداری و برای آنها فعالیت می‌کردند. بہ طوری کہ بعضی از سران آنها بہ خاطر خرابکاری بہ نفع نازیہا زندانی شدند. بنا براین، پیروزی انتخاباتی سال ۱۹۴۸ فرصتی بود تا آفریکترہا تصمیم بگیرند بہ آنچه ہیتر

سیمای شوم گرسنگی

بر ارغنون سینہ خشکیدہ، دندہاں بشردم این زمان، گویی کہ دست بیکرہ برداز قحط سال
— دادہ تراہی رنج بدان پارہ استخوان.
برق نگاہ گرسندہاں خیرہ مانندہ است... بر دوردستہا،
گفتی کہ در خیال، بیند کلوجہای،
— بر گنجہای مگر بہ بلندای آسمان.
وی را تئیدہ پوست، بیرنگ و از کشش، چسبان بہ پیکرش،
چون دستکش بہ دست بزشکی بی عمل.
لہ لہ زند زبانش، چو جریا کہ ہر دمی،
بیرون دہد ز کام بہ بلع مگس زبان.
ای کودک! آہ... آہ... در معدہ تہیت،
شمران بہ غرغرتند، ہر دم بیاتہ روز، از اندرون جان.

اسوالد مہیسنی معشالی

موفق بہ انجامش نشدہ بود جامہ عمل ببوشانند و بدین منظور بہ تفوق انگلیسیہا در کشور برای ہمیشہ خاتمہ دادند.

اوضاع تحت شرایط جدید بہ ہیچ وجہ تغییری پیدا نکرد بلکہ قوانینی وضع شد تا بہ ہرگونہ اعتراض سیاہان، حتی اگر مسالمت آمیز و مطابق با موازین قانون باشد، بر چسب «کمونستی» بزند و یا آن را بہ نیروہای خارجی کہ در صدد سرنگونی رژیم هستند وابستہ سازند.

اکنون در جمہوری آفریقای جنوبی تمام «شیرہای اطمینان» مہروم است و تنہا راہ باقیمانندہ، انفجار در برابر موج خفقان دایمی در آن کشور است. کنگرہ ملی آفریقای در این کشور بہ وسیلہ شاخہ عملیاتی خود بہ نام «اوم گنتو واسیزو» مقاومت مسلحانہ را از ۱۹۸۰ آغاز کردہ است.

آفریقای جنوبی در سال ۱۹۸۱ با آنگولا و موزامبیک و مستعمرہ نامیبیا در جنگ و ستیز بود و کشور نو استقلال زیمبابوہ را نیز تہدید بہ عملیات تہاجمی می‌کرد. اما این رژیم در داخل گرفتار است و در درون مرزہا، در جنگی کہ رسماً اعلام نگردیدہ و اسم جنگ بدان اطلاق شدہ، درگیر می‌باشد، این جنگ امروز ہم ادامہ دارد.

نوامبر ۱۹۸۳

باسیل داویدسون Basil Davidson نویسنده و مورخ انگلیسی، در خصوص تاریخ آفریقا و امور جاری آن مرجع و صاحب نظر است. از میان کتابہای فراوان نویسنده در بارہ آفریقا از جملہ می‌توان دو کتاب آزادی گینہ (۱۹۶۹) و در چشم طوفان: خلق آنگولا (۱۹۷۲) نام برد.